

نقش باورهای مذهبی در ترجمه‌های انگلیسی قرآن کریم (با بررسی آیات موردی در ترجمه‌های قرائی و الهلالی و محسن خان)

سالار منافی اناری^۱، علی ابراهیمی^۲

^۱دکترای ادبیات و عرفان، استاد دانشگاه علامه طباطبایی تهران
^۲کارشناس ارشد، علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علامه طباطبایی

نویسنده مسئول:

علی ابراهیمی

چکیده

ترجمه عبارت است از انتقال معنای کلام، از یک قالب زبانی در یک قالب زبانی دیگر. این فرایند پیچیده و سازمان یافته در مورد آثار علمی و هنری، به صور گوناگون تحت الگویی، آزاد و ... مطرح بوده و از اهمیت برخوردار است. پیچیدگی این فعالیت علمی در مورد کتب مقدس بیشتر است. در ارتباط با قرآن، که آخرین کتاب آسمانی و کامل ترین دستورالعمل فردی و اجتماعی بوده و متنضم سعادت ذیوی و اخروی افراد بشر است، از ترجمه در درجات بالایی از اهمیت بحث می شود. ترجمه‌های انگلیسی از این کتاب آسمانی، بدلیل جایگاه خاص این زبان در دنیا و نیز موقعیت دینی و مذهبی متکلمان این زبان، حائز اهمیتی دو چندان هستند. در فرایند ترجمه دو عامل زبان و فرازبان ایفای نقش می کنند. گستره واژگانی زبانها و عدم تساوی آنها در تعدد معنایی اولین عامل زبانی هستند که در ترجمه ایفای نقش میکند. عامل دوم زبانی که مؤثر در امر ترجمه میباشد، اختلافات نحوی زبان های گوناگون است. مهم ترین عامل فرازبانی که ترجمه را تحت تأثیر خود در می آورد، ایدئولوژی و باورهای ایدئولوژیک است. تأثیر ایدئولوژی مترجم در ترجمه، به عنوان یک عامل فرازبانی، بیشتر از آنکه آگاهانه باشد، نآگاهانه و غیر ارادی است؛ هرچند گاهی مترجم به صورت آگاهانه و ارادی هم می تواند ایدئولوژی خاصی را در قالب ترجمه ارائه نماید.

در این مقاله، برای نشان دادن تأثیر ایدئولوژیک مترجمان در ترجمه‌های انگلیسی قرآن، پس از بررسی امر خطیر ترجمه و تاریخچه آن به سراغ آیاتی رفته ایم که اختلاف ایدئولوژیک را بهتر ارائه می دهنند. آیاتی که در آنها مباحثی از قبیل صفات الهی، عصمت، امامت و ولایت و ... مطرح شده است. در کل دو ترجمه با پس زمینه های ایدئولوژیک شیعی و سنتی ارائه و بررسی شده است.

کلمات کلیدی: ترجمه، قرآن کریم، زبان، عامل فرازبانی، ایدئولوژی.

مقدمه

گاه در ترجمه های مختلفی که از قرآن ارائه شده است، تنوعات زیادی به چشم می خورد؛ بویژه در مورد پاره ای از آیات دگرگونی ترجمه های موجود دارای پیام و مفهوم است. گاه از آیه واحد، ترجمه های متعددی ارائه شده است که این تنوع به نوعی با افکار و عقاید شخص مترجم در ارتباط است. در این مطالعه تحقیقی تلاشی در جهت کشف این ارتباط و چگونگی برقراری آن صورت گرفته است. برای نیل به این مقصود دو ترجمه انتخابی، در بررسی نقش باورهای مترجم در کنار هم قرار گرفته اند.

بیان مسئله و اهداف تحقیق

این تحقیق در پی کشف این مسئله است که آیا عقاید ایدئولوژیک فرد مترجم، در ترجمه خروجی فرد مورد نظر تأثیرگذار بوده است یا نه؟ و اگر تأثیرگذار است، این تأثیر از چه راهی و به چه شکلی عملی می شود؟ هدف این مقاله یافتن پاسخ این سوالات از طریق بررسی موردي تعدادی از آیات قرآن است.

سؤالات تحقیق: در این نوشتار، پس از بررسی کلی روند ترجمه و چون و چند این مسئله، پیشینه این امر خطیر بررسی شده است. پس از بررسی اهمیت و پیشینه تاریخی ترجمه های انگلیسی قرآن کریم، در پی یافتن پاسخ به سوالات زیر هستیم:

- (۱) آیا ارتباطی بین باورهای مذهبی و افکار ایدئولوژیک فرد مترجم و ترجمه وجود دارد یا نه؟
- (۲) تأثیر افکار و عقاید ایدئولوژیک بر ترجمه ها ارادی است یا ناآگاهانه؟
- (۳) چه عواملی امکان بروز عقاید مذهبی در ترجمه انگلیسی قرآن را ممکن ساخته و راه را برای آن هموار می سازند؟

فرضیه تحقیق

در این نوشتار فرض بر این است که باورهای دینی و عقاید مذهبی افراد مترجم، بر روی ترجمه های قرآن اثرگذار بوده و خود را در ترجمه بروز می دهند.

البته باید یادآوری نمایم که این مسئله را نمی توان به کل قرآن و همه آیات آن تعیین داد؛ این مسئله بیشتر در مورد آن عده از آیات مطرح است که در آنها پاره ای از مسائل کلامی یا فقهی ارائه شده است که محل نزاع و اختلاف بین مکاتب گوناگون است. در این تحقیق در کل به دنبال بررسی اینگونه آیات هستیم تا به هدف تحقیق برسیم.

برای نیل به مقصود، نخست به بحث اهمیت ترجمه اشاره نموده و به بیان انواع متعدد ترجمه پرداخته ایم. در وهله بعد، پس از جستاری کوتاه در زمینه پیشینه تاریخی ترجمه انگلیسی قرآن، وارد مقوله عقاید و باورهای دینی شده و چگونگی تأثیر آنها در ترجمه را جوایا شده ایم. در نهایت پس از بررسی آیات موردي در ترجمه های قرائی (با تفکرات شیعی) و الهلاکی و محسن خان (با تفکرات وهابیت)، موضوع اساسی این تحقیق بررسی شده است و در ادامه و پایان امر به یک نتیجه کلی در این زمینه بسته کرده و مطلب را به پایان برد ایم.

اهمیت ترجمه قرآن کریم و ترجمه آن به زبان انگلیسی

در اینکه ترجمه موضوع مهمی است جای هیچگونه شک و شبیه نیست. ترجمه موضوعی پیچیده و نظام مند است که نوع درست و منطقی آن به این سادگی به دست نمی آید. به خاطر اهمیت زیاد ترجمه است که می بینیم از دیرباز ترجمه متون مختلف مورد توجه دانشمندان علوم مختلف بوده است. اما باید توجه داشت که اهمیت کار ترجمه و به تبع آن، میزان و درجه سختی و پیچیدگی آن، از موضوعی به موضوع دیگر و از متن به متن دیگر متفاوت بوده و دارای استدراجمی باشد. بیشترین ظرافت و پیچیدگی در ترجمه، مربوط است به متون مذهبی و بالخصوص ترجمه کتب مقدس، که در رأس آنها قرآن کریم مد نظر است. با توجه به اینکه قرآن کریم دارای ویژگی های منحصر به فرد بوده و به لحاظ الهی بودنش متفاوت از سایر متون و کتب می باشد، ترجمه آن نیز بسیار متفاوت از دیگر ترجمه ها بوده و پیچیدگی ها و شرایط خاص خود را دارد. و اینکه ترجمه قرآن حائز بیشترین اهمیت در بین ترجمه ها بوده و در نقطه ماکزیمم اهمیت و صعوبت قرار می گیرد مطلبی است که به اهمیت بالای خود قرآن کریم برمی گردد.

آنچه که قرآن را از سایر کتب بشری و حتی کتب مذهبی ادیان دیگر متمایز می سازد، ویژگی های خاص این کتاب الهی است که به صورت خلاصه می توان اهم آنها را به صورت زیر لیست نمود:

(۱) قرآن ساخته دست بشر نیست: قرآن کتاب بشری نیست، بلکه کتابی الهی است که متن آن، کلام بی کم و کاست صانع قادر و متعال است. اینکه آیات قرآن از زبان پیغمبر اسلام باشد هیچ خلی در الهی بودن این کتاب وارد نمی کند؛ خود قرآن به این مهم اهمیت فراوان می دهد و به بیان آن می پردازد:

«وَ النَّجْمُ إِذَا هُوَ مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَ مَا غَوَى وَ مَا يُنْطِقُ عَنِ الْهُوَيِّ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى عَلَمَةً شَدِيدَ الْفُوْيِّ» (قرآن، نجم(53)، ۱-۵).

این آیه و آیات مشابه دیگر، به صراحة، مبين این واقعیت روشن هستند که قرآن از جنس تولیدات بشری نیست، بلکه مستقیماً از جانب خدا نازل شده است و این امر اهمیت ترجمه قرآن را بیشتر می کند. با توجه به ظرافت های موجود در کلام الله مجید، هر انسانی هر قدر هم که اعتقاد قوی داشته باشد به جهت اینکه جنس انسان است نمی تواند قرآن را آنطور که کما هو قرآن باشد در ترجمه بیاورد. و این است که ترجمه قرآن دقیق مضاعف می خواهد.

(۲) قرآن کتابی است ابدی و جاودان: بدین معنا که قرآن منزل به زبان عربی، برای سعادت تمامی نوع بشر فروند آمده است و محدوده خاص زمانی یا مکانی ندارد. و این واقعیتی است که قرآن با بیانگری واضح خود بدان اشاره نموده است :

«فُلْ أَيْ شَيْءٌ أَكْبُرُ شَهَادَةً فُلْ اللَّهُ شَهِيدٌ بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَ أَوْحَى إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنُ لِأَنْذِرَكُمْ بِهِ وَ مَنْ بَلَغَ» (قرآن، انعام(6)، 19).
این آیه به صورتی آشکار جهانی بودن و دائمی بودن دعوت پیامبر را بیان می کند. حال که چنین است سوالی در ذهن انسان پدیدار می آید و آن اینکه می گوییم :اولاً با توجه به این واقعیت که قرآن به زبان عربی نازل گشته است و همه مردم دنیا عربی نمی دانند؛ و ثانیاً با توجه به این اصل اساسی که مخاطب قرآن باید آن را بداند و بفهمد تا مقدمه عمل به آن باشد، این مسئله پیش می آید که راه حل موجود برای این مشکل چیست؟ آیا به همه مردم بایستی عربی یاد داده شود و یا این که قرآن باید به همه زبان ها برگردانده شود؟ چرا که به غیر از این دو مورد راه حل دیگری وجود ندارد. یا باید همه مردم دنیا زبان عربی را فرا بگیرند که این کاری است بسیار صعب و دشوار؛ و کار سخت نیز از عهده هر کسی برنمی آید. و اگر هم بگوییم این یک تکلیف است، باید توجه کنیم که وسع و توان انسان ها متفاوت از هم است و تکلیف در حد وسع می باشد و در پیشگاه الهی تکلیف مالایطلق بر عهده کسی گذاشته نمی شود. «لَا يُكَلِّفَ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وَسْعَهَا» خداوند هیچ کس را جز به اندازه تواناییش تکلیف نمی کند (قرآن، بقره(2)، 286). و حال که این امر لاممکن بوده و یا لا أقل صعب و مشکل است بایستی به راهی دیگر رفت و آن اینکه بایستی با هر کس به زبان خودش سخن گفت. چرا که پرورش نخبگانی که بتوانند قرآن را به زبان های دیگر برگردانند نه تنها غیر ممکن نیست، بلکه با توجه به اهمیت بالای موضوع در حد یک واجب کفایی عنوان می شود.

(۳) تفاوت سبک بیانی قرآن و محتوای بسیار غنی آن: سومین عاملی که اهمیت ترجمه قرآن و ظرافت و پیچیدگی آن را برای ما روشن می کند، سبک بیانی قرآن است و محتوای بسیار غنی و والای آن.

اولاً که قرآن اجمال است و بیشتر از کلیات سخن گفته است و بیان این کلیات در زبان های دیگر، به صورتی که جزئیات مورد نظر قرآن را برساند، مشکل خواهد بود و از عهده هر کسی بر نمی آید.
ثانیاً محتوای قرآن پر است از تمثیلات زیبا، استعارات و کنایات معنی دار، مجاز گویی های فراوان و مانند آن، که همه و همه دست در دست هم داده و فصاحت و بلاغت خاصی به قرآن بخشیده است. با این وصف، انتقال دادن این شیوه بیانی، به نحوی که ادای مطلب نموده و مقصود و مراد گوینده را برساند و همزمان فصاحت و بلاغت کلام را نیز حفظ نماید، بسیار سخت و دشوار خواهد بود و هر کسی را یاری این کار نیست، فلذا اهل فن می خواهد.

این امر در ترجمه قرآن تا حدی حائز اهمیت است که افراد زیادی با آنکه در علوم مختلف تبحر داشته و از دیگران نیز کمک فنی گرفته اند ولی باز نتوانسته اند با آن همه دقیقی که به خرج داده اند، ترجمه های ایده آلی را ارائه نمایند.

(۴) نظام ساختاری قرآن: یکی دیگر از ویژگی های منحصر به فرد قرآن که قابل انتقال به ترجمه نمی باشد، نظام و نظام ساختاری موجود در قرآن است؛ وقتی که صحبت از ترجمه به زبان های دیگر به میان می آید، این عامل حرف اول را می زند چرا که از جمله عوامل زیبایی قرآن است که اثربخشی قرآن را دوچندان می کند. قرآن شعر نیست اما کمبودی از نظر نظام های شعری ندارد، نثر نیست اما در حدی بالاتر از آن، زیبایی موجود در نثر را داراست. و این واقعیتی است که در تاریخ ثبت شده است.

با توجه به اینکه زبان انگلیسی به عنوان زبان بین المللی درسطح دنیا مطرح است و متكلمان زیادی با این زبان آشنایی داشته و با آن تکلم می نمایند و یا اگر تکلم ندارند، حداقل با آن آشنایی نسبی دارند، می توان گفت که در بین غیر مسلمانان بیشترین مخاطب از آن ترجمه های انگلیسی قرآن است و این حاکی از میزان اهمیت و اثربخشی ترجمه های انگلیسی است .

مطلوب دوم در این زمینه، که مهم تر از اولی است، اینکه مخاطبان ترجمه های انگلیسی قرآن بیشتر از میان غیر مسلمانان هستند که آشنایی با زبان اصلی قرآن ندارند و نمی توانند متن عربی آن را بخوانند، فلذًا می توان عنوان نمود که برای آنان ترجمه، خود قرآن است و آن پیامی که این گروه از ترجمه انگلیسی قرآن دریافت می کنند، برایشان در حکم اصل خواهد بود چرا که توفیق استفاده از اصل عربی قرآن و بررسی ترجمه با توجه به اصل، از آنان سلب شده است. افزون بر این دو عامل مهم، عامل سومی هم وجود دارد که شایان ذکر است و آن عبارت است از مترجمان قرآن به زبان انگلیسی. این دسته از مترجمان دو گروه اند: گروه اول مسلمانانی هستند که با ترجمه قرآن می خواهند در گسترش فرهنگ اسلام و قرآن نقش آفرینی کنند. گروه دومین گروه از این مترجمان، غیر مسلمانانی هستند که باز با توجه به هدفی که دارند دو گروه هستند: گروهی که بخواهند بدون هیچ گونه غرض ورزی، دست به یک اقدام علمی و فرهنگی زده و خدمتی به جامعه بشری نموده باشند که در جای خود کار پسندیده ای است و لیکن همچنان که گذشت این نگرانی وجود دارد که به دلیل عدم آشنایی با منابع اصیل اسلامی و اصول اساسی دین مبین اسلام، برداشت هایی متفاوت از قرآن داشته و به جای گسترش اهداف اصیل اسلامی، آنها را گسترش دهنند، که برای جلوگیری از این کار باید دقت زیادی نمود و قبل از پرداختن به ترجمه، مقدماتی را که برای یک مترجم خوب لازم است، کسب کرد.

و اما گروه دیگر، افراد غیر مسلمانی هستند که نه برای تبلیغ اسلام و قرآن، بلکه برای ضربه زدن به اسلام و قرآن دست به ترجمه قرآن می زندند که عموماً افراد معرض و کینه توزی هستند که با اسلام دشمنی دارند و می خواهند با ترجمه های ساختگی و آلوده خود، معارف ناب اسلامی را به باب میل خود در جوامع بشری معرفی نموده و از عظمت و بلندای شکوه این معارف بکاهند.

پیشینه ترجمه قرآن به زبان انگلیسی

ترجمه قرآن به زبان انگلیسی که از زبان های رایج و مهم اروپایی است نه تنها دارای سابقه ای طولانی است بلکه در کنار آن از اهمیتی دو چندان برخوردار می باشد. و اگر ترجمه های قرآن به همه زبان های دنیا را در نظر بگیریم طبق فهرستی که آیت الله معرفت در کتاب خود آورده است، ترجمه انگلیسی از نظر تعداد مجلدات ترجمه و نیز تعداد مترجمین در ردیف سوم قرار دارد(معرفت، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۶۷). و اگر موضوع اول این مقوله، یعنی بین المللی بودن این زبان را در کنار این مسئله قرار دهیم می توانیم بگوییم که ترجمه انگلیسی قرآن، مهم ترین ترجمه قرآن به زبان های اروپایی است. طبق نظر خرمشاهی ۱۳۷۶، ص ۵۳۲) بیش از ۲۹۵ ترجمه کامل و ۱۳۱ ترجمه ناقص یا برگریده از قرآن به زبان انگلیسی تا سال ۱۹۸۰ میلادی به عمل آمده است، که این رقم در کتاب تفسیر و مفسّرون استاد معرفت به صورت کلی یکجا ذکر شده است که تعداد ۷۴ مترجم، قرآن کریم را در ۳۱۶ مجلد به زبان انگلیسی ترجمه نموده اند(۱۳۸۷، ص ۱۶۷).

نخستین ترجمه انگلیسی غیرکامل از قرآن کریم، در سال ۱۵۱۵ میلادی به عمل آمده است و نخستین ترجمه کامل قرآن کریم به زبان انگلیسی توسط یک اسکاتلندي به نام الکساندر راس و از روی یک ترجمه فرانسوی به عمل آمده است. اما آتور آربی، مترجم معروف قرآن، تاریخ انتشار این ترجمه کامل را در سال ۱۶۵۷ میلادی دانسته است(خرمشاهی ۱۳۷۶، ص ۵۳۲).

باورهای مذهبی

باورهای دینی همان اعتقاداتی هستند که هر فردی دارای آنهاست و در زندگی خود به آنها پاییند بوده و خط و مشی و رفتارهای او را تحت تأثیر قرار می دهند. متفاوت بودن باور دینی در افراد، به اختلاف مکاتب فقهی، کلامی و... آنها برمری گردد. واقعیت آن است که دین الهی یکی است که خود قرآن نیز به این واقعیت پرداخته است: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ إِلَيْسَ لِمَنْ يُرِيدُ» دین در نزد خدا، اسلام و تسلیم بودن در برابر حق است(قرآن، آل عمران(۳)، ۱۹).

حال سؤالی مطرح می شود و آن این است که: وقتی همه ادیان بر یک پایه استوار هستند و هدف همه آنها واحد است پس این همه اختلاف و عدم پذیرش آیین جدید توسط پیروان آیین های قبلی چیست؟

در پاسخ این سؤال باید گفت که این همان مطلبی است که منشأ باورهای دینی مختلف نیز هست؛ و اساسی ترین نقش را در این میان رهبران دینی مکاتب مختلف بازی نموده اند و مردم عادی و هواداران از آنها پیروی نموده اند ولی واقعیت معلوم است و آن اینکه همه این افراد به نوعی به خود ظلم روا داشته اند مگر آنها یکی که بر اصول اساسی تکیه زده و به هیچ وجهی از وجود از آنها عدول ننموده اند. قرآن نیز به این مسئله پرداخته و افرادی را که از وحدت آیین های الهی پیروی ننموده اند ظالم

معرفی نموده است: «وَ مَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَ مَنْ يَكْفُرُ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ» و کسانیکه کتاب آسمانی به آنان داده شد، اختلافی در آن ایجاد نکردند، مگر بعد از آگاهی و علم، آن هم به خاطر ظلم و ستم در میان خود و هر کس به آیات خدا کفر ورزد، خدا به حساب او می‌رسد زیرا خداوند، سریع الحساب است. (قرآن، آل عمران (۳)، ۱۹).

عوامل موثر در ظهور ایدئولوژی مترجم در ترجمه‌های قرآن

ناگفته پیداست که سر و کار ما در ترجمه قبل از هر چیزی با واژگان و کلمات است. و این واژگان برای رساندن یک مفهوم باید در قالب های مشخصی در کنار هم قرار گیرند. این طرز چینش کلمات در کنار هم، بر اساس قواعد دستوری خاصی است که در زبان های مختلف متفاوت می‌باشد. در این میان آنچه که مهم به نظر می‌رسد این است که ساختارهای زبانی و واژگان کاربردی از زبانی به زبان دیگر متفاوت است و گاهی گستره معنایی واژه‌ها نیز یکسان نیستند. بنابراین به جرأت می‌توان گفت که اساسی ترین نقش را در ترجمه زبان و ساختارهای زبانی ایفا می‌کنند. اما استفاده از ساختارهای متفاوت {قواعد نحوی} و نیز واژگان سلیقه‌ای در ترجمه‌ها، از مقوله‌ای دیگر منتج می‌شود که این مقوله دیگر، یک جزء زبانی نیست. این مقوله غیر زبانی همان باورهای دینی و ایدئولوژیک است. با توجه به این واقعیت که ایدئولوژی و باورهای مذهبی جزئی از زبان نبوده ولی در عین حال ترجمه‌ها را تحت تأثیر خود درآورده و ایفای نقش می‌کنند، می‌توان گفت که مسائلی بیرون از حیطه زبانی، در ترجمه و بویژه در ترجمه متون دینی مؤثر هستند. نتیجه آنکه ترجمه زایده ابعاد فرازبانی از جمله ایدئولوژی نیز هست. در کنار این باید دانست که «فرازبان و از جمله ایدئولوژی، مانند ساختارهای زبانی، مقولاتی با مرزهای مشخص و کدگذاری شده (coded) نیستند، مضاف براینکه معمولاً ناخودآگاهند و غیرمستقیم ترجمه را تحت تأثیر قرار می‌دهند» (مصطفی جهرمی، میمنه و کتابی . ۱۳۸۷). نقش ایدئولوژی در ترجمه‌های قرآنی. مطالعات ترجمه. شماره ۲۲ ص ۸۸-۴۱).

مطلوب دوم که باید بدان پرداخت پاسخ دادن به این سؤال است که آیا تأثیر ایدئولوژیک بر روی ترجمه، صرفاً آگاهانه است یا بصورت آگاهانه هم ممکن است؟ در پاسخ باید گفت: ایدئولوژی و به طبع آن باور ایدئولوژیک از یک مسئله، با افکار فرد آمیخته شده و با فرد مورد نظر منتقل می‌شود و خود را در تمامی فعالیت‌ها و اثرات وی بروز می‌دهد. حال اگر کسی بخواهد آن را بصورت عمده و معرضانه در جایی به ظهور برساند، این امکان فراهم است و این همان کاربرد آگاهانه باورهای دینی است. این امر در ترجمه نیز ممکن است و این امکان را مسائل درون زبانی برای شخص فراهم می‌آورند. اما تأثیر ایدئولوژیک در ترجمه بیشتر به صورت ناخودآگاه ظاهر می‌شود و دلیل این امر یکی از واقعیت‌های فکری و روحی نوع انسان است. در این کار تحقیقی ما بر آن هستیم تا نشان دهیم تا چه حدی باورهای دینی در ترجمه‌های انگلیسی قرآن خود را ظاهر می‌سازند و این ظهور از چه طریقی صورت می‌گیرد؟ اما لازم است قبل از بررسی ترجمه‌ها و پرداختن به اصل مطلب، این مسئله را مورد بررسی قرار دهیم که چه عوامل زبانی یا درون زبانی، به ظهور آگاهانه یا ناآگاهانه باورهای ایدئولوژیک در ترجمه کمک می‌کنند. به عبارت دیگر، امکان اتیان باور دینی، هرچند بصورت نهانی و پوشیده، در ترجمه‌های انگلیسی قرآن از چه راهی فراهم می‌شود؟ در پاسخ باید گفت که این تأثیر از طریق واژگان و قواعد نحوی زبان‌ها در ترجمه‌ها ظاهر می‌شود.

چگونگی تأثیر ایدئولوژی بر ترجمه از طریق واژگان

الف - تعدد معنایی واژگان: در زبان‌های مختلف واژگانی هستند که از گستره معنایی یا تعدد معنا برخوردار هستند و یک واژه واحد، دارای معنای متعدد است. این مسئله تحت عنوان چند معنایی (polysemy) در زبانشناسی مطرح است که عبارت است از یک کلمه واحد که دارای دو معنا یا چند معنای نزدیک بهم است.

ب - استفاده از قالب‌های معنایی مثل استعاره، تمثیل، مجاز و کنایه:

یکی دیگر از مسائلی که می‌تواند پس زمینه اعتقادی مترجم را در ترجمه آشکار سازد، استفاده از استعاره و مجاز (metaphor) در متن اصلی یا متن مترجم است. همچنانکه می‌دانیم بعضی واژگان، علاوه بر معنای ظاهری خود، گاه دارای معنای استعاری یا مجازی (metaphorical meaning) و نیز کنایی (metonymy) هستند که این کاربردها در قرآن نیز زیاد است. آیات فراوانی هستند که یک واژه خاص در آنها در معنای استعاری و مجازی به کار رفته است. کاربرد تشبيه (simile) نیز از این مقوله است.

ج- وجود واژگانی متفاوت با معانی نزدیک به هم:

گاه کلمات متفاوتی وجود دارند که از یک معنای واحد برخوردار بوده و از نظر معنایی در یک حوزه قرار می‌گیرند. در مورد اینگونه کلمات بحث بار معنایی مثبت و منفی مطرح می‌شود. به عنوان مثال در زبان فارسی، عبارات: به ملکوت اعلیٰ پیوست، به سوی رحمت ایزدی شتافت، جان به جان آفرین تسلیم نمود، با دار فانی وداع نمود، در گذشت، از دنیا رفت، مرد و... همگی یک معنای ظاهری را انتقال می‌دهند و آن اینکه فردی از این دنیای خاکی رخت سفر بربسته است؛ اما اقتضای ادب سخن آن است که فعل مورد نظر به تناسب شخص مورد نظر انتخاب شود. در متون مذهبی نیز چنین مسئله‌ای پیش خواهد آمد؛ بویژه آنجا که کاری به خداوند و پیامبران الهی منسوب باشد. و این انتخاب واژگانی، می‌تواند نشان دهنده دیدگاه مذهبی و ایدئولوژیک مترجم باشد.

چ- گونگی تأثیر ایدئولوژی بر ترجمه از طریق نحو و قواعد نحوی

همچنانکه قبل نیز بیان گردید، ترجمه یک مبحث ایدئولوژیک نیست، بلکه تحت تأثیر ایدئولوژی قرار می‌گیرد که یکی از موارد راهگشا برای این تأثیر قواعد موجود نحوی می‌باشد. در واقع می‌توان عنوان نمود که ایدئولوژی در عرصه ترجمه قرآن کارگردانی اصلی ندارد؛ اما در پشت صحنه این کارگردانی‌ها نقش ایفا می‌کند و پس زمینه یا پیش درآمدی است برای امر خطیر ترجمه. ایفای نقش در این مورد به این صورت است که مترجم ساختارهای زبانی را طوری انتخاب می‌کند که آگاهانه یا غیرآگاهانه‌ی { به نوعی باورها و تفکرات دینی شخص مترجم در ترجمه رنگ و بوی خود را نشان می‌دهد. و درست به همین دلیل است که از یک متن واحد، ترجمه‌های گوناگونی ارائه می‌شود که در ظاهر همان معنا را می‌رسانند؛ اما اگر به بررسی ایدئولوژیک ترجمه، همزمان با بررسی زبانی آن پرداخته شود، کاملاً آشکار خواهد شد که اختلافات زبانی موجود در ترجمه، گاهی از مسائل فرازبانی نشأت می‌گیرد که این مسائل فرازبانی از فرصت‌های موجود در زبان استفاده نموده و نقش خود را به خوبی ایفا می‌نمایند.

در ظاهرسازی رنگ ایدئولوژیک در ترجمه، قواعد نحوی می‌توانند مؤثر واقع شده و ایفای نقش کنند. بعضی کلمات در جمله می‌توانند نقش‌های دستوری مختلفی را قبول کنند و از این طریق روی معنای کلام تغییراتی ایجاد کنند؛ همچنین بعضی کلمات انواع مختلفی دارند که هر نوع در جایگاه خاص خود ظاهر شده و بر معنای کل کلام تأثیرگذار می‌گردد.

حال که کلیات مطلب بیان گشت، بهتر آن است که به اصل کلام برگردیم و ادعای خود را به وهله اثبات برسانیم. برای رسیدن به این مهم، همچنانکه قبل هم اشاره شد، ناگزیر از آن هستیم که به بررسی موردی آیاتی از قرآن پردازیم. حال برای نشان دادن تأثیر ایدئولوژی در ترجمه‌های انگلیسی قرآن، به بررسی ترجمه‌های چندین آیه می‌پردازیم:

۱- آیه ولايت

«ء وهم راكعون آنما ولیکم الله ورسوله والذين آمنوا اللذين يقيعون الصلوة ويتون الزکو» (قرآن، مائدہ(۵)، ۵۵). آفای علیقلی قرائی در ترجمه واژه «ولی» از لغت guardian استفاده نموده است که بهترین انتخاب است. و معنای سرپرستی را به نحو احسن می‌رساند. و همچنین در ترجمه خویش «واو حالیه» را به while ترجمه نموده است که هم زمانی پرداخت زکات و بودن در رکوع را به تمام معنای کلمه می‌رساند. و مخاطب با خواندن این ترجمه، بدون مراجعه به متن عربی می‌تواند به این هم زمانی بی ببرد. و این امر رساننده شأن نزول آیه است چرا که این هم زمانی فقط در مورد حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) اتفاق افتاده و لاغیر. و هم چنین اشاره به این دارد که باور دینی این مترجم در ترجمه خود را نشان داده و خودنمایی می‌کند. چرا که او یک شیعی مذهب است و باور مذهب تشیع همان مسئله ولايت بی قيد و شرط امام علی (ع) می‌باشد.

به این حقیقت که این آیه در شأن حضرت علی (ع) نازل شده است در بسیاری از تفاسیر بزرگ اهل سنت اشاره شده است) ابن عربی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۱۸۰؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۳۳۴؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۲۹۳ و ...).

الهلالی و محسن خان، در ترجمه واژه «ولی» از دو کلمه انگلیسی Protector or Helper استفاده نموده اند که به معنی یاریگر و کمک کننده هستند. و اینکه ترجمه کاملاً رنگ و بوی ایدئولوژیک خود را نشان می‌دهد. چرا که این انتخاب مسلمان جهت فرار از پذیرش سرپرستی و امامتی است که واجب الإطاعت است. ضمناً در آیه حصر وجود دارد که در ترجمه نیز به خوبی با واژه Verily به آن اشاره شده است، و این معنا با حصر سازگار نیست چرا که مؤمنان همگی یار و باور و حامی همدیگر باید باشند. با توجه به اینکه این ولايت همان ولايت الهی است باید گفت که این مترجمین در ترجمه این آیه تعمدآین معادل را آورده اند.

در تفسیر کشف الاسرار و عده‌ای ابرار آمده است: «ولی و مولی در لغت عرب، هر دو یکی است . خداوند متعال در جایی می فرماید: الله ولی الذين آمنوا(قرآن، بقره(2)، آیه 257) و در جایی دیگرمی فرماید: ذلك بأنَّ الله مولى الذين آمنوا (قرآن، محمد(47)، آیه 11) و معنای آن دو یکی است؛ و در خبر هم آمده است:

«من كنت مولاً فعليّ مولاً» و این یعنی ولايت در دين که بالاترین ولايت هاست. (میدبی، 1371، ج ۳، ص 149). همچنان که اشاره شد ولايت در آیه 257 سوره بقره با ولايتی که در آیه مورد بحث آمده است یکی است . چرا که هر دو ولايت، ولايت خداوندی است که در «الله ولی الذين آمنوا» به صورت کلی آمده است و در آیه «إِنَّمَا ولِيْكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهِ وَ الَّذِينَ آمَنُوا إِذْ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يَؤْتُونَ الزَّكُوْهُ وَ هُمْ رَاكِعُونَ» همین ولايت به صورتی بسط داده شده است، و حال آنکه در ترجمه الهلالی و محسن خان متفاوت ترجمه شده اند: در ترجمه آیه 257 سوره بقره آمده است:

Allah is the Wali (Protector or Guardian) of those who believe.

در اینجا در ترجمه ولی واژه **Guardian** به کار رفته است که معنای سرپرستی را به صورت کامل می رساند؛ این در حالی است که در آیه ولايت (آیه مورد نظر) این معادل آورده نشده است.

هم چنین در ترجمه الهلالی و محسن خان «واو حاليه» به صورت ساده به **and** ترجمه شده که در اینجا مقصود آیه چندان کامل نیست و تا فردی از متن عربی متوجه نشود، از این ترجمه متوجه حالیه بودن این «واو» نمی شود که امر هم زمانی را می رساند.

۲- آیه اولی الأمر

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أطِيعُوا اللَّهَ وَ أطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَئِكُمْ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ إِنْ يَوْمَ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَ أَخْسَنُ تَأْوِيلًا» (قرآن، نساء(4)، 59).

مهنم ترین قسمت از آیه که بایستی مورد توجه واقع شود و محل بحث می باشد، عبارت است از: وَ أُولَئِكُمْ مِنْكُمْ.

در ترجمه عبارت «أطِيعُوا اللَّهَ وَ أطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَئِكُمْ مِنْكُمْ» قرائی عبارت زیر را به کار برده است:

Obey Allah and obey the Apostle and those vested with authority among you

اما عبارت

Obey Allah and obey the Messenger (Muhammad), and those of you (Muslims) who are in authority

توسط الهلالی و محسن خان به کار برده شده است . با توجه به آنکه مراد از کلمات «الله» و «الرسول» در آیه مشخص می باشد نیازی به بررسی نیست . و اما واژه «اولوامر» در آیه حائز اهمیت می باشد و در ترجمه ها نیز مختلف آمده است. بهترین ترجمه برای «اولی الامر» در ترجمه قرایی آمده است که نشان دهنده اعتقاد مذهبی وی نیز می باشد. بنا به اعتقاد شیعه ولايت و امامت یک امانت الهی است که از طرف خداوند در اختیار افراد خاصی قرار داده می شود و این امر در آیه 124 سوره بقره نیز مورد تأکید است که می فرماید: «لَا يَنْالَ عَهْدَ الظَّالِمِينَ». فلذا می بینیم که در ترجمه قرائی those vested آمده است که authority را که به معنی موقعیت خاص و قدرت و ولايت است، اعطای شده از جایگاه خاصی می دارد و نه قدرتی از خود افراد، که با عبارت **vested with** در این ترجمه ظهر کرده است.

الهلالی و محسن خان نیز عبارت **and those of you (Muslims) who are in authority** را در ترجمه این واژه تخصصی مناسب دیده اند . در این ترجمه از مطلب مورد اشاره در نزد تشیع چیزی برداشت نمی شود و با توجه به معانی مختلف authority که یکی هم قدرت است می توان گفت که بیشتر ناظر به نظر دانشمندان اهل تسنن است . حال در مورد ترجمه الهلالی و محسن خان باید گفت که این امر کاملاً آشکار است چرا که با یک نگاه به عبارت **those of you** those who are in authority می شود گفت که به «اولی الامر» نگاهی کلی دارد و دایره آن را گسترش می دهد که هر کسی صاحب قدرت شد او اولوامر محسوب می شود . یعنی هر کس که در حال حاضر در قدرت است و بر مردم حکومت دارد مطاع خواهد بود و این چیزی نیست جز اعتقاد اهل سنت در مورد اولی الامر.

البته در ادامه ترجمه ها نیز مطلی نهفته است که مربوط است به ترجمه عبارت «فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ» که به صورت زیر است: قرایی برای آن معادل **And if you dispute concerning any thing** را آورده است که باز هم به عقیده امامیه اشاره دارد که بروز اختلاف را در بین مردم عادی می دانند و نه آنکه اولی الامر را هم وارد در آن کنند و این بدان معناست که صحبت از اختلاف بین کسانی است که مخاطب آیه اند یعنی «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا»، و خود اولی الامر بین این مخاطبان نیستند چرا که طبق ظاهر حکم آیه، این مخاطبین باید از آنها اطاعت کنند.

الهلالی و محسن خان عبارت (And) if you differ in anything amongst yourselves را در ترجمه خود آورده اند که به خودی خود شکل مذهبی نداشته و عقیده ای را تقویت نمی کند، اما با قرار گرفتن در کنار فراز قبلی ترجمه یعنی کاملاً رنگ اعتقادی و مذهبی خود را بروز می دهد. چرا که در این فراز از ترجمه those of you (Muslims) who are in authority وارد در بین مخاطبان آیه شده است که این تعریف خاصی از اولی الامر است که اهل سنت به آن پرداخته اند.

۳- آیه تطهیر

«...إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرُكُمْ تَطْهِيرًا » (قرآن، احزاب(33)، 33).

این آیه نیز از جمله آیاتی است که محل اختلاف بین مفسرین واقع شده است. در فراز اول این آیه احکام و مسائلی در ارتباط با زنان و همسران پیامبر اکرم (ص) آمده است که بیان حکم با ضمیر مونث است، در این قسمت که محل بحث است ضمایر مذکر آمده است و در قسمت های بعدی نیز باز روی سخن با همسران پیغمبر است. فلذا اختلاف نموده اند در مورد اهل البیت که مراد از آن کیانند؟

علمای امامیه براین اعتقاد هستند که مراد از اهل البیت، افراد معموم از خاندان پیامبر هستند و لا گیر. (سبزواری نجفی، 1419، ج ۱، ص 428). البته ناگفته نماند که بسیاری از دانشمندان عامله نیز این قول را بیان نموده اند وارد در حکم آیه می دانند با این تفاوت که آنها حکم را مختص در این افرادی که اشاره شد نمی دانند و آن را تعمیم می دهند به همه افراد درون خانواده پیغمبر(ص) (ثعالبی، 1418، ج ۴، ص 346).

اما گروهی از علمای اهل سنت چنین بیان داشته اند که این آیه و حکم آن منحصر در زنان و زوجات پیامبر می باشد (ابن عطیه، 1422، ج 4، ص 384؛ بغوی، 1420، ج 3، ص 637 و ثعلبی، 1422، ج 8، ص 35). و می توان گفت که بی انصاف ترین دانشمندان اینان هستند . چرا که لاقل به ظاهر آیه هم توجهی ننموده اند و توجهی لاقل به ضمایر به کار رفته در آیه نکرده و یا نگاهی به ترکیب آیات در کل قرآن نداشته اند که قرآن بنا به ترتیب نزول آیاتی دارد که مباحثی متفاوت در آنها بیان شده است . اما این گروه توجهی به آن نداشته و به راحتی از کنار آن گذشته اند.

قرایی در ترجمه فراز اول این قسمت از آیه یعنی «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ » معادلی به صورت زیر آورده است Indeed Allah desires to repel all impurity from you, O People of the Household به اینکه نظر تشیع عصمت تمام و کمال برای خاندان نبوت بوده، عبارت to repel all impurity from you می تواند مبین این رأی باشد چرا که all impurity به معنی «همه گونه ناپاکی » بوده و معنای رجس را تعمیم کلی داده است برای بیان اهل البیت از معادل People of the Household خاصی نیست.

و نیز برای عبارت «وَ يُطَهِّرُكُمْ تَطْهِيرًا » معادل and purify you with a thorough purification که باز هم در بردارنده باورهای شیعی در این ترجمه است چرا که thorough purification همان تأکید بر نوع طهارت است که طهارتی است کامل و کلی. البته باید گفت که این تأکید در خود آیه هم موجود است که با کلمه تطهیراً بیان شده است که مفعول مطلق تاکیدی است.

اما الهلالی و محسن خان نیز ترجمه خود را به شکلی آورده اند که کاملاً طرفدار عقیده دانشمندان عامله ظاهر شده است. Allah wishes only to remove Ar-Rijs (evil deeds and sins) from you, O members of the family (of the prophet), and to purify you with a thorough purification.

در این ترجمه معادل انتخاب شده برای اهل البیت (O members of the family (of the prophet) می باشد که گویای باور دینی آنهاست . واژه member به معنای عضو می باشد و وقتی صحبت از members of the family به میان می آید شامل تمام اعضای خانواده می شود که همسر و زن خانه نیز در بین اعضای خانواده است. با این ترجمه، مخاطب به این نتیجه می رسد که تمام اعضای خانواده پیامبر داخل در حکم آیه اند که زوجات پیامبر نیز در بین آنها هستند و این یعنی همان برداشتی که اینان از این آیه دارند. و نیز آمدن واژه only در ابتدای ترجمه می تواند بیان کننده عقیده علمای عامله در مورد عصمت باشد که آنان عصمت را کلی و در همه امور نمی دانند.

۴- آیه علم الکتاب

«وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» (قرآن، رعد(13)، 43). در آیه مورد نظر، آنچه که محل بحث و اختلاف نظر می باشد فراز آخر آید، یعنی و مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَاب است و در اینکه مراد از آن چه کسانی باشد اختلاف نموده اند.

قرایی در ترجمه «وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَاب» عبارت *and he who possesses the knowledge of the Book* را جایگزین نموده است که دقیقاً ترجمه عبارت عربی است و نمی توان گفت که ترجمه دارای تأثیر مذهبی است و تنها نکته ای که شاید بتوان بدان اشاره نمود آوردن ضمیر مفرد *he* می باشد که می تواند اشاره ای به نظر اکثریت علمای امامیه باشد. اکثریت قریب به اتفاق علمای امامیه بر این باورند که مراد آیه علی (ع) می باشد(طبرسی، 1372، ج 6، ص 462 و سبزواری نجفی، 1419، ج 1، ص 260).

اما ترجمه الهلالی و محسن خان متفاوت از این ترجمه است. آنها در ترجمه عبارت «وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَاب» جمله انگلیسی نموده است. بسیاری از دانشمندان اهل سنت بر این اعتقادند که این فراز از آیه به دانشمندان و علمای یهود و نصاری اشاره می کند که عالم به کتب الهی اند و نشانه های پیامبر آخرالزمان را می دانند. از دانشمندانی مانند عبدالله بن سلام، وهب بن منبه، سلمان فارسی و تیمیم داری نام برده اند و تعدادی از آنها، در حالت خاص به عبدالله بن سلام اشاره نموده اند(قاسمی، 1418 ج 6، ص 194، نووی، 1417، ج 1، ص 564 و زحلی، 1418، ج 2، ص 1177). این امر، در ترجمه الهلالی و محسن خان، با آورده شدن ضمیر جمع *those* مشخص شده است و نیز واژه *Scripture* را آورده اند که به معنی کتاب مقدس می باشد. البته در این ترجمه برای آنکه مراد آیه برای مخاطب کاملاً روشن شود منظور خود را به صورتی آشکار در داخل پرانتز آورده اند که به صورت زیر است:

(such as Abdullah bin Salam and other Jews and Christians who embraced Islam)

و این، رنگ و بوی مذهبی و اعتقادی این ترجمه را کاملاً نشان می دهد. این مسئله در این ترجمه تا حدی واضح است که هیچ جایی برای این عقیده که امام علی (ع) را وارد در حکم آیه بدانیم نگذاشته است و آن را در علمای اهل کتاب منحصر ساخته است. در حالی که علمای عاقه نیز در کتب خود این قول را آورده اند که امام علی (ع) وارد در حکم آیه می باشند(بن جوزی، 1422، ج 2، ص 502؛ ابن العربي محمدبن عبدالله، بی تا، ج 3، ص 1113).

۵- آیه اهل الذکر

«وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِي إِلِيهِمْ فَسْلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (قرآن، نحل(16)، 43).

در اینکه مورد خطاب در آیه چه کسی و یا چه کسانی هستند، نظرات مختلف ارائه شده است:

۱) مورد خطاب در قسمت اول آیه شخص بیغمیر است و در قسمت دوم جم جرم دارد.

۲) مورد خطاب مشرکان قریش هستند که از آنها خواسته شده به اهل الذکر مراجعه نمایند.

۳) مورد خطاب عموم افرادی هستند که باید به اهل الذکر مراجعه نمایند تا مشکل (عدم دانستن چیزی) برای آنها حل شود. علامه طباطبایی پس از بیان نظرات مختلف و نقد و بررسی آنها، مورد سوم را تأیید نموده است(طباطبایی، 1417، ج 12، ص 257).

در مورد اهل ذکر نیز اقوال مختلفی گفته شده است که به بیان آنها می پردازیم:

علمای عامه بیشتر بر این اعتقاد هستند که مراد از اهل ذکر علماء و دانشمندان یهود و نصاری از اهل کتاب هستند و نیز به صورت عام گفته اند که مراد به صورت کلی تمام کسانی هستند که معنای کتب الهی می دانند و عالم به اخبار هستند. و نیز گفته اند مراد اهل قرآن هستند(فخرالدین رازی، 1420، ج 20، ص 211؛ بغدادی، 1415، ج 3، ص 79؛ زمخشri، 1407، ج 2، ص 607 و سیوطی، 1404، ج 4، ص 118).

اکثریت قاطع علمای امامیه پیامبر اکرم(ص) و اهل بیت او را مصدق بارز اهل ذکر دانسته اند، هر چند مراد آیه را خاص آنان ندانسته و تعمیم داده اند. و گفته اند که این مصدق منافات با عموم آیه ندارد(فیض کاشانی، 1418، ج 1، ص 649).

بحراني، 1416، ج 3، ص 429-423. طوسی، بی تا، ج 6، ص 384 و گنابادی، 1408، ج 2، ص 413).

در بررسی ترجمه های انگلیسی، باید گفت که آن قسمت از ترجمه که می تواند ارائه دهنده نقش عقاید و باورهای دینی باشد، ترجمه اهل الذکر است، چرا که محل بحث و جدل است.

قرایی در ترجمه اهل الذکر، معادل انگلیسی the People of the Reminder را به کار برده است که هیچ نشانی از اعتقاد مذهبی در آن نیست و تنها ترجمه تحت اللفظی این عبارت را آورده است که همان عمومیت آیه را می رساند و به خصوص موارد اشاره ای ندارد.

اما در ترجمه ارائه شده توسط الهلالی و محسن خان به چند نکته باید توجه داشت که در ترجمه و فهم مخاطب از آن موثر هستند:

اولاً این ترجمه مخاطب آیه را مشرکان مکه دانسته است. یعنی از موارد مورد ذکر در بالا برای مخاطبین آیه، تنها یک مورد آن یعنی مشرکان مکه را در ترجمه آورده است و برای ترجمه عبارت فَسَلُّوا معادل انگلیسی So ask (you, O pagans of Makkah) را جایگزین کرده و در واقع از این نظریه جانبداری کرده است و مخاطب این ترجمه با خواندن آن سایر گزینه ها را به عنوان مخاطب این آیه در نظر نخواهد آورده مگر آنچه اطلاع قبلی در این زمینه داشته باشد. فلذا می بینیم که این قسمت از ترجمه کاملاً نشان از جانبداری از ایده خاص است چرا که بیان مصدق اصلاً در حیطه ترجمه نیست.

ثانیاً در مورد اهل الذکر نیز معادلی آورده است که بیشتر ناظر به عقیده اکثریت علمای عامه بوده و آن عقیده را تقویت می کند. در این ترجمه معادل those who know the Scripture برای اهل الذکر آمده است و می دانیم که واژه Scripture ناظر است به کتب مقدس، و بیشتر در مورد کتب مقدس پیشین به کار می رود. لذا می بینیم که در این قسمت از ترجمه نیز با آمدن این واژه حال و روی مذهبی این ترجمه مشخص است و می توان گفت که در این قسمت از ترجمه نیز بیشتر از آنکه ترجمه ارائه شود به ارائه نظر در مورد مصدق آیه پرداخت شده است.

ثالثاً باید گفت که جانبداری از یک عقیده خاص در این ترجمه تا آنجا پیشرفته است که در مورد اهل الذکر پا را فراتر نهاده و برای آنکه در ایصال به مطلوب و مراد مورد نظر یک گروه خاص سنگ تمام گذاشته باشند پس از بیان those who know the Scripture، در داخل پرانتز به ارائه توضیح بیشتر پرداخته و در توضیح آن اینگونه آورده است: learned men of the Scripture که با این توضیح هیچ مصدقی برای the Scripture Turat (Torah) and the Injil (Gospel) باقی نمی ماند جز کتب مقدس تورات و انجیل و می دانیم که این همان نظر اهل سنت در مورد مصدق اهل الذکر است.

۶- آیه مودت

«... قُلْ لَا أُسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَ مَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَرِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ شَكُورٌ» (قرآن، سوری ۲۳، ۴۲).

در این آیه خداوند از پیامبرش می خواهد به مردم اعلان کند که من در برابر انجام رسالتم، هیچ پاداشی از شما نمی خواهم، تنها از شما می خواهم که به اهل بیتم محبت داشته باشید. نکته مهمی که در این آیه نهفته است آن است که مراد از المودّة فی الْقُرْبَى چیست؟

در معنای این عبارت در بین مفسرین اختلاف است. صاحب تفسیر وزین مجمع البیان در این مورد می نویسد: (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۴۳) در معنی این آیه اختلاف کرده و سه قول آورده اند:

۱) حسن و جبائی و ابی مسلم گفته اند قربی به معنی تقرب به درگاه الهی است، و مودّة فی القریبی یعنی دوست داشتن طاعت و تقوی در راه تقرب به درگاه الهی.

۲) از قول ابن عباس و قتاده و مجاهد و جماعتی آورده است. یعنی: مرا به خاطر قربتی که با شما دارم دوست بدارید و به خاطر خویشاوندی مرا حفظ کنید، چون تمامی قریش با رسول خدا (ص) نسبت خویشاوندی داشتند و لذا طرف خطاب آیه تنها مردم قریش خواهند بود.

۳) از قول امام سجاد(ع) و سعید بن جبیر و عمرو بن شعیب و امام باقر و امام صادق(ع) آمده که معنی آیه اینست من از شما در برابر رسالتم جز دوستی نزدیکان و اهل بیتم مزدی نمی خواهم هر احترامی که می خواهید به من بگذارید به آنان بگذارید. باید گفت که اکثر مفسرین عامه معنای مودّه فی القریبی را، همان قول اول یعنی دوستی خدا و پیغمبر از طریق عمل به صالحات و تقرب جستن به درگاه الهی دانسته اند(ابیاری، ۱۴۰۵، ج ۱۱، ص ۱۳۶. طبری کیا هرسی، ۱۴۰۵، ج ۴، ص ۳۶۵ و حقی بروسوی، ج ۸، ص ۳۱۱).

بعضی از علمای عامه مخاطب پیامبر در ارائه این مطلب را تنها قریش از مردم مکه دانسته اند. بدین معنا که پیامبر اسلام از آنها می خواهد به خاطر قربتی که با او دارند، وی را اذیت ننموده و به همین دلیل به او مودت نشان دهنده(محلى و سیوطی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۴۸۹ و ابن عجیبه، ۱۴۱۹، ج ۵، ص ۲۱۱).

در مورد ترجمه قرایی باید گفت که بدون هیچگونه جانبداری از عقیده مذهبی خویش به ارائه ترجمه پرداخته است و برای ترجمه عبارت **إِلَّا الْمَوَدَّةُ فِي الْقُرْبَى** از معادل انگلیسی **except love of [my] relatives** استفاده نموده است. این ترجمه دقیقاً مانند متن اصلی خود، به صورت کلی آمده است و طوری ترجمه نشده است که بتوان گفت حال و هوای مذهبی دارد.

واژه القریبی در عربی عمومیت دارد و در انگلیسی نیز **relatives** کلی بوده و به همه خویشاوندان اطلاق می‌شود.

ترجمه الهلالی و محسن خان، طوری ارائه شده که فقط به پرورش یکی از نظرات در مورد مفهوم موده‌فی القریبی می‌پردازد و در مورد بقیه نظرات ساكت و خاموش است. در این ترجمه، برای ترجمه عبارت **إِلَّا الْمَوَدَّةُ فِي الْقُرْبَى**، از معادل انگلیسی **except to be kind to me for my kinship with you** استفاده شده است که معنای مهربانی با خود پیامبر به خاطر خویشاوندی او با مخاطبان آیه را به همراه دارد و محبت و مودت به خویشاوندان، چه به صورت مطلق و چه خویشاوندان پیامبر به صورت خاص، از آن برداشت نمی‌شود. و همچنانکه قبل اشاره شد این رأی و نظر بعض علمای عامه است که مخاطب پیامبر در ارائه این مطلب را فریش از مکه دانسته اند. بدین معنا که پیامبر از آنها می‌خواهد به خاطر قرابتی که با او دارند، وی را اذیت ننموده و به همین دلیل به او مودت نشان دهند.

۷- آیه متشابهات قرآن

«**هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَ أَخْرُ مُتَشَابِهَاتٍ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَغَّ فَيَتَبَعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ إِبْتِغاً لِفَتْنَةٍ وَ إِبْتِغاً تَأْوِيلَهُ وَ مَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلُّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَ مَا يَدْكُرُ إِلَّا أَوْلَاهُ الْأَلْبَابِ**» (قرآن، آل عمران (3)، 7).

نکته مهم و مبهم آیه در جمله زیر نهفته است:

«**وَ مَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلُّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا**»

در مورد این جمله دو نظر و دیدگاه مطرح است، یکی آنکه عبارت «الراسخون في العلم» عطف به کلمه «الله» باشد، و مفادش آن باشد که رسول اکرم (ص) و اوصیاء آن حضرت بر تأویل آیات و اسرار قرآن احاطه دارند، و همچنین بعضی از علماء اهل ایمان که افکار آنان در محور آیات و مفاهیم قرآنی همواره در حرکت و نوسان باشند.

قول و دیدگاه دیگر آنست که جمله «**وَ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ**» استیناف است، و جمله «**يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ**» خبر آن است، و مفادش آن باشد که علماء از جامعه اسلام عالم بتاویل آیات قرآنی نیستند، ولی در اثر رسوخ ایمان در دلهای آنان معتقدند، که آیات چه محکم و چه متشابه آنها از جانب پروردگار است، آیات محکم اساس دین اسلام است، و بر حسب عقیده و عمل از آنها باید پیروی نمود، و در مورد آیات متشابه باید بتفسیر آیات محکم رجوع کرد.

اکثريت قاطع علمای امامیه رای اول را پذیرفته اند و معتقدند که راسخان در علم عالم به تاویل آیات هستند(حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۸. قمی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۹۶. حسینی شیرازی، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۳۱۴).

البته در میان دانشمندان اهل سنت نیز هستند کسانی که بنا را بر عطف گذاشته و عالم بودن راسخان به تاویل آیات را مورد تأکید قرار داده اند(عکبری، بی تا، ج ۱، ص ۷۲ و زحلی، ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۱۵۳).

اما اکثريت علمای عامه بنا را بر استیناف گذاشته اند و بر این باور هستند که از تاویل آیات متشابه کسی جز خداوند احادیث باخبر نیست(سمرقندی، بی تا، ج ۱، ص ۱۹۵. خطیب، بی تا، ج ۲، ص ۳۹۸. میبدی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۲۱).

مترجم اول - قرایی - به صورت زیر ترجمه نموده است:

But no one knows its interpretation except Allah and those firmly grounded in knowledge; they say," We believe in it; all of it is from our Lord."

همچنان که مشاهده می‌کنیم دقیقاً نشان دهنده نظرات و عقاید مفسران شیعی مذهب است. چرا که با آوردن عبارت معطوف و برای نشان دادن دقیق مطلب فاعل **they** را برای جمله بعدی آورده است. و معلوم است که مخاطب انگلیسی زبان با خواندن این ترجمه به مطلبی که مورد نظر مفسران شیعی مذهب است می‌رسد هر چند آشنا با عربی و متن اصلی قرآن نباشد.

اما الهلالی و محسن خان ترجمه خود را رنگ دیگری بخشیده اند به صورتی که کاملاً گویای نظر و عقیده علمای عامه در مورد این آیه است و رنگ و بوی مذهبی این ترجمه کاملاً واضح است. بررسی ترجمه گویای این مطلب است:

but none knows its hidden meanings except Allah. And those who are firmly grounded in knowledge say: "We believe in it; the whole of it (clear and unclear Verses) are from our Lord."

همچنان که می‌بینیم در این ترجمه تنها واژه **Allah** از حکم کلی آیه مستثنی دانسته شده است و پس از **except Allah** با قرار دادن نقطه پایان مطلب را اعلام نموده و مطلب جدیدی را شروع نموده است و **And** را در جایگاه استیناف آورده است

Allah و این افراد (راسخان در علم) معطوف به نیستند بلکه فاعل جمله جدیدی هستند که به دنبال آن آمده است . And those who are firmly grounded in knowledge say:

-۸- مسئله رویت خداوند

«وَجْهُهُ يَوْمَئِذٍ نَاضِرَةً إِلَى رَبِّهَا ناظِرَةً» (قرآن، قیامه) (75)، (23-22).

با توجه به اینکه واژه «نظر» معانی مختلف دارد لازم است نگاهی کوتاه به نظر فریقین در معنای آن بیندازیم . آنچه که در تفاسیر داشمندان امامیه آمده است، آن باشد که مراد از نظر در اینجا انتظار است و نه نظر به معنی رویت جسمانی . و آیه را چنین معنا نموده اند که آنها (مومنین) نظر به نعم الهی و ثواب از او دارند. منتظر رحمت و غفران حضرتش بوده و به نورش می نگرند(مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۱۹، ص ۲۲۱. قرشی، ۱۳۷۷، ج ۱۱، ص ۴۵۸. بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۵، ص ۵۳۷-۵۳۸ و سیزواری نجفی، ۱۴۰۶، ج ۷، ص ۲۷۷).

اما نظر جمهور علمای اهل سنت، به غیر از علمای معتزله، بر آن است که مراد از نظر، همان رویت با چشم است(فخرالدین رازی، ۱۴۲۰، ج ۳۰، ص ۷۳۰. مراغی، ج ۲۹، ص ۱۵۲ و بلخی، ۱۴۲۳، ج ۴، ص ۵۱۳).

ترجمه قرایی به گونه ای آمده است که نمی توان گفت از اعتقادات مذهبی یا باورهای دینی و شخصی او تاثیر گرفته است . علت این گفته آن باشد که او شیعی مذهب است و اما ترجمه او از این آیه به گونه ای نیست که باور اعتقادی تشیع در مورد عدم رویت خداوند با چشم را در ذهن مخاطب زنده کند . بلکه باید گفت که ترجمه به گونه ای است که اصلاً اشاره و ایمابی هم به ایده تشیع نداشته و تنها به ترجمه تحت اللفظی آیه پرداخته است . در این ترجمه برای عبارت **إِلَى رَبِّهَا ناظِرَةً** از معادل looking at their Lord استفاده شده است که واژه **at** look forward to است . در واقع باید گفت که این ترجمه چندان دقیق ارائه نشده است و آنچه که به انتظار اشاره دارد look forward to است . در مورد ترجمه مذهبی اهل سنت این ترجمه چندان دقیق ارائه نشده است و امکان فهم اشتباه از آن وجود دارد.

در مورد ترجمه الهلالی و محسن خان می توان گفت که این ترجمه خواسته یا ناخواسته، ایده اکثریت علمای عامله را در خود ظاهر نموده است و مخاطب را به همان نظری رهنمون می کند که تفاسیر علمای اهل سنت به او نشان می دهند . در این ترجمه، برای عبارت **إِلَى رَبِّهَا ناظِرَةً** از همان معادلی استفاده شده است که قرایی در ترجمه خود به کار برده است . تنها تفاوت در اعتقادات مذهبی صاحبان ترجمه هاست.

-۹- آیه وضو

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهُكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُؤُسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ ...» (قرآن، مائدہ) (5)، (6).

در مورد مرحله اول وضو یعنی عبارت **فَاغْسِلُوا وُجُوهُكُمْ** اختلافی در ترجمه ها دیده نمی شود و هردو مترجم معادل wash your faces را برای آن آورده اند.

در مورد جمله بعدی آیه، یعنی **وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ** نیز وضع همان است و هر دو مترجم معادل يکسانی برای این جمله آورده اند که عبارت است از:

and your hands up to the elbows

فقط در ترجمه الهلالی و محسن خان، در داخل پرانتز معنای **hands** را به صورت forearms آورده است که هیچ اختلافی در ترجمه ایجاد نمی کند.

اما در مورد دو مرحله آخر وضو، **وَامْسَحُوا بِرُؤُسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ**، ترجمه ها محل بحث هستند . قرایی در ترجمه این قسمت از آیه معادل زیر را آورده است:

And wipe a part of your heads and your feet, up to the ankles

در این ترجمه آمدن عبارت **a part of your heads**، در واقع به این معنا اشاره شده است که باه در اینجا برای تبعیض است و مراد مسح تمامی سر نیست و می دانیم که این باور امامیه می باشد . و نیز در این ترجمه عطف و **وَ** **امْسَحُوا بِرُؤُسِكُمْ** معلوم است . and wipe a part of your heads and your feet بنابراین مشاهده می کنیم که در ترجمه آیه تلاش بر این بوده است که مفهوم آیه طوری توضیح داده شود که نظر تشیع بر آن است؛ البته حق مطلب همان است و ما تنها جهت نشان دادن تأثیر ایدئولوژی بر ترجمه گویا به این مسئله هستیم.

در ترجمه الهلالی و محسن خان نیز، رنگ ایدئولوژیکی ترجمه کاملاً واضح است:

اوّلًا ترجمه به گونه ای آمده است در مسئله مسح سر، بیشتر به کل سر اشاره دارد و نه قسمتی از آن:

Rub (by passing wet hands over) your heads

این می تواند نشان دهنده نظر اکثریت اهل سنت در مسئله مسح سر باشد که به غیر از شافعی ها، حداقل میزان عرفی را برای مسح کافی نمی دانند.

ثانیاً در مورد مرحله نهایی وضو، در این ترجمه به صورتی آشکار به نظر اهل سنت اشاره شده است که معتقدند پاها باید شسته شود و نه مسح.

Rub (by passing wet hands over) your heads, and(wash) your feet up to the ankles

همانطور که مشاهده می کنیم، در این ترجمه با آوردن فعل wash در داخل پرانتز و قبل از عبارت 'your feet'، در واقع بر این مسئله تأکید نموده است که تقدیم و تأخیری در آیه بوده است و یا اینکه مراد از مسح در این قسمت از آیه، غسل است؛ و این همان نظریه عامه است که در توضیح آیه آمد.

نتیجه گیری

ترجمه ابزاری است زبانی که در قالب فرایندی منسجم با ابعاد پیچیده عمل نموده و مفاهیم معینی را از یک قالب معنایی در قالبی دیگر وارد می سازد. در نگاه اول ترجمه فرایندی زبان محور به نظر می رسد که عوامل زبانی عناصر مهم عرصه ایجادی ترجمه می باشند؛ اما با بررسی بیشتر معلوم می گردد که علاوه بر زبان، عواملی هستند که خارج از مقوله زبان بر ترجمه اثرگذار هستند. این عوامل، عوامل برون زبانی یا فرازبانی ترجمه هستند و تا حدود زیادی بر روی ترجمه اثر دارند. یکی از این عوامل برون زبانی عبارت است از ایدئولوژی مذهبی؛ این عامل همان عنصری است که در تصمیم گیری های مهم زندگی دینی و حقیقی مادی وارد شده و بایدها و نبایدهای زندگی را برای وی مشخص می کند. تأثیر ایدئولوژی بر ترجمه همیشه یکسان نیست و در متون مختلف از شدت و حدت متنوعی برخوردار است. در متون مذهبی این شدت و حدت تا حد زیادی افزایش می باید و در مورد ترجمه کتب مقدس و الهی می تواند به اوج خود برسد.

در مورد این مسئله که ایدئولوژی تا کجا در ترجمه اثرپذیر است، باید گفت: بسته به نوع مفهوم انتقالی و نیز درجه ایمان فرد مترجم و انصاف وی، این اثر می تواند پرنگ و یا کم رنگ باشد. اگر مترجم متوجه مسئله ترجمه بوده و قالب ها و محدوده های ترجمه را در نظر بگیرد و از طرفی هم واقعاً به دنبال انتقال معنی کلام متن اصلی باشد و نه انتقال عقاید و پس زمینه های فکری خویشتن، تا حدود زیادی این اثرپذیری کاهش می یابد. اما باید توجه داشت که اثربخشی ایدئولوژی در ترجمه و اعمال این اثربخشی از سوی مترجم در بسیاری از موارد بصورت ناخودآگاه می باشد و بدون آنکه مترجم بخواهد، این کار انجام گرفته و با انکی دقت و بررسی می توان به این اثر بپردازد و رنگ و بوی مذهبی و ایدئولوژیک ترجمه را تشخیص داد.

نکته آخری که در این نتیجه گیری باید مذکور نظر باشد این واقعیت است که تأثیر عوامل برون زبانی از قبیل ایدئولوژی بر ترجمه، بیشتر در قالب های زبانی صورت می گیرد؛ به عبارت دیگر این خود زبان و عوامل زبانی است که راه اعمال اثر مسائل ایدئولوژیک در ترجمه را هموار می سازد. با توجه به اینکه ساختارهای زبانی و مسائل نحوی در زبان های مختلف گوناگون بوده و از قوانین متفاوت سرچشم می گیرند، این مسئله امکان اثربخشی فرد مترجم در ترجمه را هموار می سازد. در بحث واژگان نیز روال همین است. گستره واژگانی زبان ها و به ویژه واژگانی که از نظر معنایی بسیار به هم نزدیک هستند راه را برای اثر گذاشتن ایدئولوژی بر روی ترجمه باز می گذارند و این از طریق انتخاب واژگان عملی می شود. یک مترجم قبل از هر مسئله ای لازم است به تکلیف خود واقع بوده و در جهت انجام این تکلیف، تا آخرین حد توانش تلاش نماید و انجام دقیق و اصولی کارش را بر هر مسئله دیگر مقدم بدارد. تنها در این صورت است که می تواند به اجر و پاداش الهی که وعده نیکوکاران در قرآن است نائل شود و بهای واقعی وجود انسانی خویش را بیابد که همان رضوان الهی است.

به امید آنکه همه ما مسلمانان پرده های غفلت را با مجھز شدن به علم الهی که قرآن منبع لایزال آن است کنار بزنیم و بتوانیم از طریق غلبه بر نفسانیت خویش و خصم اندرونی، بر تمامی برون خویش فائق آییم؛ و تنها در این صورت است که در برابر صاحب قرآن روسفید خواهیم شد.

والسلام علی من اتّبع الْهَدِی وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوی

منابع و مراجع

- ۱- آلوسى، سید محمود .روح المعانى فى تفسير القرآن العظيم .بيروت :دارالكتب العلمية. چاپ اول، ۱۴۱۵ ق.
- ۲- ابیاری، ابراهیم .الموسوعة القرأنیة. بی جا : مؤسسه سجل العرب. ۱۴۰۵ . ق.
- ۳- الھلائی، محمد تقی الدین؛ محسن خان، محمد .تفسير معانی القرآن الکریم باللغة الإنجیلیزیة. ریاض : دارالستلام. ۲۰۰۷ م.
- ۴- ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی .زادالمسیر فی علم التفسیر .بيروت :دارالكتب العربي. چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
- ۵- ابن عجیبه، احمد بن محمد .البحرالمدید فی تفسیر القرآن المجید. قاهره :دکتر حسن عباس زکی. ۱۴۱۹ . ق.
- ۶- ابن عربی، ابوعبدالله محیی الدین محمد .تفسیر ابن عربی .بيروت :دار احیاءالتراث العربی. چاپ اول، ۱۳۲۲ق.
- ۷- ابن عربی، محمد بن عبدالله بن ابوبکر .أحكام القرآن . بی تا . بی جا.
- ۸- ابن عطیه اندلسی، عبدالحق بن غالب.المحررالوجیز فی تفسیر القرآن العزیز. بيروت :دارالكتب العلمية. چاپ اول، ۱۴۲۲ ق.
- ۹- بحرانی، سید هاشم .البرهان فی تفسیر القرآن . تهران :بنیاد بعثت. چاپ اول، ۱۴۱۶ ق.
- ۱۰- بغدادی، علاءالدین علی بن محمد . لباب التأویل فی معانی التّنزیل . بيروت :دارالكتب العلمية. چاپ اول، ۱۴۱۵ ق.
- ۱۱- بغوی، حسین بن مسعود . معالم التّنزیل فی تفسیر القرآن . بيروت : دار احیاءالتراث العربی.
- ۱۲- ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد . جواهرالحسان فی تفسیر القرآن . بيروت : دار إحياءالتراث العربی. چاپ اول، ۱۴۱۸ ق.
- ۱۳- ثعلبی نیشابوری،ابواسحق احمدبن ابراهیم .الكشف و البيان عن تفسیر القرآن . بيروت : دار إحياءالتراث العربی. چاپ اول، ۱۴۲۲ ق.
- ۱۴- جهرمی، میمنه و کتابی . نقش ایدئولوژی در ترجمه های قرآنی. فصلنامه مطالعات ترجمه، ۱۳۸۷ ش ، شماره ۲۲
- ۱۵- حقی بروسی، اسماعیل . تفسیر روح البيان . بی تا . بيروت :دارالفکر.
- ۱۶- خرمشاهی، بهاءالدین . قرآن پژوهی . تهران :انتشارات ناهید. چاپ سوم، ۱۳۷۶
- ۱۷- زمخشri، محمد . الكشاف عن حقائق غوامض التّنزیل . بيروت :دارالكتب العربي . چاپ سوم، ۱۴۰۷ ق.
- ۱۸- سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله . إرشادالأذهان إلى تفسیر القرآن . بيروت : دارالتعارف للمطبوعات. چاپ اول، ۱۴۱۹ ق.
- ۱۹- سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله . الجديد فی تفسیر القرآن المجید. بيروت : دارالتعارف للمطبوعات. چاپ اول، ۱۴۰۶ ق.
- ۲۰- سیوطی، جلال الدين . الدرالمنتور فی تفسیرالمأثور . قم : کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی. ۱۴۰۴ ق.
- ۲۱- طباطبایی، سید محمد حسین . المیزان فی تفسیر القرآن . قم : دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. چاپ پنجم، ۱۴۱۷ ق.
- ۲۲- طبرسی، فضل بن حسن . مجمع البيان فی تفسیر القرآن . تهران : انتشارات ناصر خسرو. چاپ سوم، ۱۳۷۲
- ۲۳- طبری کیاھرسی، ابوالحسن علی بن محمد . أحكام القرآن . بيروت : دارالكتب العلمية. چاپ دوم، ۱۴۰۵ ق.
- ۲۴- طوسی، محمد بن حسن . التّبیان فی تفسیر القرآن . بيروت : دارأحیاءالتراث العربی . بی تا .
- ۲۵- فخرالدین رازی، ابوعبدالله محمدبن عمر . مفاتیح الغیب . بيروت : دار احیاءالتراث العربی . چاپ سوم، ۱۴۲۰ ق.
- ۲۶- فیض کاشانی، ملامحسن . الأصفی فی تفسیر القرآن . قم : مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی. چاپ اول، ۱۴۱۸ ق.
- ۲۷- قرشی، سید علی اکبر . تفسیر أحسن الحديث . تهران : بنیاد بعثت . چاپ سوم، ۱۳۷۷ ش.
- ۲۸- قرابی، سید علی قلی . ترجمه انگلیسی قرآن . بی تا . بی جا . [جامع التّفاسیر].

-
- ۲۹- گنابادی، سلطان محمد . تفسیر بیان السعادة فی مقامات العبادة . بیروت: مؤسسه العلمی للطبعات . چاپ دوم، ۱۴۰۸ق.
- ۳۰- محلی، جلال الدین ، سیوطی، جلال الدین . تفسیرالجلالین . بیروت : مؤسسه النور للطبعات. چاپ اول، ۱۴۱۶ق.
- ۳۱- معرفت، محمد هادی . تفسیر و مفسران. قم : مؤسسه فرهنگی تمہید. چاپ چهارم، ۱۳۸۷ ش.
- ۳۲- مکارم شیرازی، ناصر . تفسیر نمونه. تهران : دارالكتب الإسلامية. چاپ اول، ۱۳۷۴ ش.
- ۳۳- المنجد فی اللّغة . لبنان، بیروت : انتشارات دارالشّرق. چاپ ۴۱.
- ۳۴- میبدی، رشیدالدین احمد بن ابی سعد. کشف الأسرار و عدة الأبرار. تهران : انتشارات امیرکبیر. چاپ پنجم، ۱۳۷۱ ش.